

آینده

مجله سیاسی، ادبی و اقتصادی مصور

نمره مسلسل ۱۹

مجلد دوم (شماره ۷)

شماره ۱۳۰۶ هـ ش .

ربیع الاول ۱۳۴۶ هـ ق .

نوامبر ۱۹۲۷ م .

تاریخچه

سیاست روسیه در ایران

در این موقع که بواسطه امضای عهد نامه جدید سیاسی و قراردادهای اقتصادی میان ایران و روسیه در روابط سیاسی این دو مملکت مناسبات حسنه تشدید میشود مناسب است نظری بتاریخ سیاست روسیه در ایران بیفکنیم تاریخ سیاست روسیه را در ایران میتوان بچهار دوره تقسیم نمود:

اول (دوره « هجوم نظامی ») - از زمان پطر کبیر (اواخر قرن هیفدهم میلادی) تا عقد معاهده ترکمن چای ۱۸۲۸ ؛

دوم (دوره تسخیر اقتصادی) و « نفوذ صلح جویانه » - از معاهده ترکمن چای تا سالهای انقلاب مشروطیت ایران ، معاهده ۱۹۰۷ و تصرف تبریز بوسیله قشون روس (۳۰ آوریل ۱۹۰۹) ؛

سوم (دوره « مداخلات سیاسی » و « تصرفات نظامی » - از زمان فرستادن قشون به تبریز تا انقلاب بلشویک ۱۹۱۷ و تخلیه ایران از طرف روسها ؛

چهارم (دوره « بلشویکی » - از زمان تخلیه ایران و معاهده مسکو ۱۹۲۱ تا ایام حاضر و ... تا اطلاع جدید .

این تقسیمات رانه از آن جهت نمودیم که در اساس سیاست روسیه نسبت بایران تغییرات مهمی حادث شده باشد ، چه بعقیده ما و باستناد ادله تاریخی سیاست روسیه در این مملکت همیشه در حقیقت جابرا نه بوده و ولی بدان مناسبت که از حیث رویه دیپلماتی تغییرات عمده در

خط مشی سیاسی آن دولت روی داده است. مثلا گاهی بملایمت. گاهی با خشونت ، زمانی از در دوستی و زمانی دیگر دشمنانه با ما معامله میکردند .

این ادوار را حوادث مهم سیاسی و نظامی از یکدیگر جدا میسازد : مثلا ، پس از جنگهای ایران و روس که بطور متناوب قریب سی سال ادامه داشت معاهده های ترکمن جای انعقاد یافت و این معاهدات که مبنای روابط جدید روسیه و ایران گردید قریب یکصد سال بقوت خود باقی بود کاملا دوره قبل را از دوره بعد که عبارت از نفوذ صلح جویانه باشد متمایز مینماید ؛ همچنین مداخلات سیاسی و نظامی روسها پس از اعلان مشروطیت در ایران کاملا با سیاست قبل انها تفاوت بود و نیز پس از آنکه سلطنت تزاری منقرض شد و حکومت چند روزه « کاده ها » و اجتماع یون انقلابیون (حکومت موقتی یا برزخ میان « تزاریسم » و « بلشویسم ») نیز سپری شد ، تا تخلیه ایران و الغاء معاهدات شوم و ابطال قروض ایران و اهداء بانک و موسسات روس بایران بلشویکها طرز رفتار جدیدی در سیاست بایران اتخاذ نمودند که دوره جدید را از ادوار پیش مشخص نمود . اینک در یک سلسله مقالات چکونگی سیاست روسیه را در ایران از نظر خوانندگان میگذرانیم .

دریای آزاد و هندوستان

سابقا در یکی از مقاله های خود گفتیم پیش از پطر کبیر و سلسله رومانوف روسیه در حقیقت عبارت از « مسکوی » بود و نظرباین که بدریا های آزاد راه نداشت یکی از آمال ملی خود را دست یافتن بدریا قرار داد و یکی دیگر از مطامع آن دولت نزدیک شدن هندوستان و تسخیر آن مملکت زرخیز بود . بنا بر این با ممالکی که در سر راه بود و یا مانع نیل آن درت بمقصود میشد بنای ستیزه گذاشت

از آن جمله هشت جنگ خونین با عثمانی کرد تا بالاخره سواحل شمالی دریای سیاه را تحت تصرف خود آورد ولی عبور از تنگه های «بفر» و «داردانل» ویرا میسو نشد و بدریای مدیترانه راه نیافت. در شمال با دولت سوئد محاربه شدید نمود و سواحل شرقی بحر بالتیک را تصرف شد اما باز بواسطه تنگه های «بلت» و «سوند» نتوانست وارد اقیانوس اطلس گردد. در شرق اقصی مستعمرات سیبری خود را تا اقیانوس کبیر توسعه داد، اما در آنجا نیز گذشته از آنکه قسمتی از سال را بواسطه منجمد بودن دریا قابل استفاده نیست دچار حریف زبردستی مانند ژاپون گردید که در پشت سر آن دولت انگلیس ایستاده بود و از جنگی که با ژاپون در سال ۱۹۰۵ نمود شکست فاحش خورد و مجبور بعقب نشینی گردید. اقیانوس منجمد شمالی که ممالک روسیه را از سمت شمال محدود میکند همچنانکه از اسم آن مشهود میباشد یخ بندان است و قابل استفاده از برای کشتی رانی نمیشود.

خلاصه هیچ يك از این آبهآ آتش جاه طلبی روسهارا فرو نماند و هیچ کدام این دریاها آنها را بخاک هندوستان که مقصد دومشان بود راهبری نمود. فقط يك دریا و يك راه باقی بود که اگر بر آن دست میافتند با يك تیر دو نشانه میزدند: آن دریا «خلیج فارس»، آن راه «ایران» و آن دو نشانه یکی هندوستان و دیگری دریای آزاد و گرم بود!



«وصیت نامه» سیاسی پتر کبیر

وصیت نامه ای را به پتر کبیر نسبت میدهند (۱) که در آن بنام «پدر روسیه» (۲) خط مشی اساسی سیاست روس معین شده است.

(۱) آنچه محقق شده این سند سیاسی را بعد از پتر بنام وی ساخته اندند.

(۲) این لقبی است که حقا میتوان به پتر داد زیرا روسیه متهمان در حقیقت مولود این پادشاه عظیم الشان است.

از هر شرح و بسطی مناسب تر آنستکه ماده ۹ وصیت نامه مذکور را که راجع بایران است ترجمه و نقل نمائیم :

«هرچه بیشتر ممکن است به اسلامبول نزدیک شوید، کسی که در آنجا سلطنت کند سلطان حقیقی روی زمین است؛ جنگهای بیابانی علیه ترك و زمانی برخلاف ایران بر پا نمائید؛ در کنار دریای سیاه بنداری برای ساختن کشتی ایجاد نمائید و کم کم آنجا را متصرف شوید، همچنانکه دریای بالتیک را، چه این دو نقطه برای ظفر یافتن بمقصود لازم است. انحطاط ایران را تسریع نمائید، تا خلیج فارس نفوذ کنید . . . و تا هندوستان جلو بروید که این سر زمین انبار دنیا است، همیکه بانجا رسیدید میتوانید خود را ازطلای انکیس بی نیاز نموده

تقریباً همه جانشینان پطر و تمام پیروان طریقه « اوبر بالیستی » روسیه سیاستی را که این « وصیت نامه » معین نموده است در ایران تعقیب نموده اند. راست است که گاه بگاه مقتضی سیاست آن بوده که دیپلوماسی آنها روش صلح جوانه اتخاذ کند یا اشخاصی مانند نادر شاه افشار در ایران پیدا شده و مدتی جلو آنها را گرفته اند. اما از زمان پطر کبیر ببعده این سیاست با جلوه های گوناگون خود همیشه تعقیب شده است. البته بنسبتی که نظامیان و سیاسیون روسیه در نقاط دیگر دنیا، اروپا بالکان یا شرق اقصی، مشغول بوده اند از حدت و شدت آنها در ایران میکاسته ولی آنچه که قابل ملاحظه میباشد این است که دیپلوماسی روس هر زمان در یکی از نقاط دیگر و مانده و رانده میشود تمام سعی و کوشش خود را بطرف آسیای وسطی مخصوصاً ایران معطوف میداشت، چنان که پس از شکست « سیاستبول » در سال ۱۸۵۵ که روسها برای چندی از بسفر و اسلامبول رانده شده و قوای خود را به ترکستان و سیرری و شرق اقصی متوجه ساخته، قزوقانی را که در اروپا نصب آنها نمیشد در آنجا آرزو نمودند و در آنجا نیز بدست ژاپونیهامغلوب